

امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس

کد موضوعی: ۲۹۰
شماره مسلسل: ۱۲۳۴۱
فروردین ماه ۱۳۹۱

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱..... مقدمه
- ۲..... منظور از امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس با همسایگان چیست؟
- ۵..... نگرانی رژیم اشغالگر قدس از بهار عربی در منطقه و امنیت مرزهای آن کشور
- ۱۰..... تصویر احتمالی از آرایش دفاعی رژیم اشغالگر قدس در پی بهار عربی، به خصوص مصر و سوریه
- ۱۲..... نتیجه‌گیری
- ۱۵..... منابع و مآخذ



امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس

مقدمه

امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس با اراضی فلسطینی‌ها و نیز همجواری و همسایگی با کشورهای عربی در رأس دکترین و استراتژی دفاعی آن کشور است. تقسیم قرارگاه‌های نظامی در مجاورت با مرزهای عربی، حاکی از عمق نگرانی امنیتی آن کشور است. شاید بتوان مقایسه‌ای منطقی بین روابط امنیتی رژیم اشغالگر قدس و همسایگانش و نیز امنیت مرزهای روسیه با کشورهای همجوارش به عمل آورد. محور مداخلات نظامی روس‌ها دقیقاً در مجاورت مرزهای آن کشور شامل بهار پراک، آلمان شرقی و افغانستان و اخیراً گرجستان را می‌توان نام برد. این‌گونه موارد برای رژیم اشغالگر قدس نیز صادق است.

رژیم اشغالگر قدس با مصر و اردن قرارداد صلح امضا کرده و با سوریه در حالت ترک مخاصمه است. این گزارش با توسل به رویکرد Strategic assessment به گمانه‌زنی در مورد آتیه امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس با مصر و سوریه می‌پردازد. پیش‌فرض این برآورد، روی کار آمدن اسلامگراها (چه اخوان‌المسلمین میانه‌رو و چه سلفی‌های تندرو) است. در این وضعیت، رژیم اشغالگر قدس برای رفع نگرانی امنیتی مرزهای خود چه کار خواهد کرد؟ بی‌سبب نیست که این رژیم از آتیه بهار عربی بسیار نگران است!؟

منظور از امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس با همسایگان چیست؟

بی‌گمان رژیم اشغالگر قدس از آتیه بهار عربی ناخشنود است. منظور از نگرانی امنیتی رژیم اشغالگر قدس، لغو قرارداد صلح یا ترک مخاصمه کشورهای عربی به‌ویژه مصر و سوریه با رژیم اشغالگر قدس است.

سیا در سال ۲۰۰۹ طی گزارشی متذکر شد که رهبری رژیم اشغالگر قدس حاضر به تفاهم و گذشت در مقابل اراضی فلسطینی‌ها نیست و همسایگان عربی آن کشور با جمعیت روبه رشد می‌توانند انتقام فلسطینی‌ها را در نادیده گرفتن قراردادهای صلح توسط رژیم اشغالگر قدس بگیرند. در این صورت رژیم اشغالگر قدس نمی‌تواند آینده را با اتکا به قدرت نظامی حفظ کند و مضافاً اینکه کاهش کمک‌های بلاعوض نظامی آمریکا به این رژیم، با ملاحظات سیاسی همراه خواهد بود. زیرا امکان عدم حمایت دولت آمریکا از هرگونه تندروی رژیم اشغالگر قدس وجود دارد و مصداق بارز آن روابط متزلزل سیاسی دولت اوباما با این رژیم است.

رژیم اشغالگر قدس با دولت‌های ناسیونالیست - سکولار عربی از ابومازن تا مبارک و ملک عبدالله و دیگران به تبادل اطلاعات مرزی می‌پرداخت. با تغییر نقش‌ها و اضمحلال ارتش‌ها در پی بهار عربی در همسایگی مرزهای رژیم اشغالگر قدس، بیم و نگرانی این رژیم از به قدرت رسیدن اسلامگراها و تهدیدات علیه امنیت مرزهای آن کشور افزایش می‌یابد.

نگرانی رو به فزونی رژیم اشغالگر قدس بیشتر درخصوص امنیت مرزهای آن



کشور با اعراب مبتنی بر مخازن آب، منابع گاز و گذرگاه‌های استراتژیک خاص کانال سوئز است. برای مثال رژیم اشغالگر قدس با اردن و فلسطینی‌ها بر سر منابع آب و با لبنان در مورد مخازن گاز و با مصر بر سر نوار غزه، صحرای سینا و کانال سوئز در تعامل و گاه در تقابل قرار گرفته است. برای مثال کشمکش در مورد حوزه‌های اکتشاف و استخراج منابع گاز بین قبرس اروپایی، یونان و ترکیه به لبنان و رژیم اشغالگر قدس نیز اشاعه پیدا کرده است.

ظرفیت منابع گاز مذکور [زیر دریا] بالغ بر ۴۵۰ میلیارد مترمکعب است و افزون بر آن، حجم برآورد شده نفت در این منطقه بیش از ۴ میلیارد بشکه است.^۱

بدین ترتیب یک طبقه‌بندی و گونه‌شناسی ساده از مرزهای رژیم اشغالگر قدس

می‌توان ارائه داد:

الف) فلسطینی‌ها:

- نوار غزه،

- کرانه باختری رود اردن،

ب) اردن:

- قدس شرقی

ج) لبنان

د) سوریه - ۱۹۶۷ بلندی‌های جولان

ه) مصر - ۱۹۷۳ صحرای سینا و نوار غزه

با توجه به این طبقه‌بندی، مفهوم منطقی از امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس مبتنی بر وابستگی متقابل بین امنیت مرزها و امنیت دفاعی رژیم مذکور حاصل می‌شود. مفهوم معکوس آن نیاز به عمق استراتژیک و خروج از انزوای مرزها با همسایگان است که رژیم اشغالگر قدس را واداشته است براساس دکترین دهه ۵۰ میلادی بن گوریون به اتحاد و همکاری با کشورهای غیرعربی آن سوی مرزها بپردازد.

از آنجا که این گزارش به منطق فکری امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس در قبال همسایگان عرب به‌خصوص مصر و سوریه می‌پردازد، در این صورت عمده توجه و تمرکز بیشتر روی نگرانی امنیتی این رژیم در برابر مصر و سوریه معطوف به بازنگری قرارداد ترک مخاصمه با سوریه و قرارداد صلح کمپ دیوید با مصر خواهد بود.

اهمیت نظامی بلندی‌های جولان در پیوستگی با سوری‌ها از ۱۹۶۷، رژیم اشغالگر قدس را در مجاورت با سوریه، لبنان و اردن در مرتبه خاصی قرار داده است. نزدیک‌ترین فاصله بلندی‌های جولان با مرزهای سوریه ۲۵ کیلومتر است.^۱ اگرچه رژیم اشغالگر قدس و سوریه پس از ترک مخاصمه از سال ۱۹۶۷ و عدم امضای قرارداد صلح بین آن دو کشور در دهه ۹۰ میلادی به‌سر می‌برند، اما رژیم مذکور نگران تغییر قدرت حاکمه در سوریه و تغییر در تأمین امنیت مرزهای دو کشور است. منطق فکری امنیتی رژیم اشغالگر قدس در توافقات مرزی با همسایگان به معنای تبادل اطلاعات مرزی، اطلاعات نظامی، مبارزه مشترک مرزی و حتی منتهی به سند

1. Maj - Cen. (res) Ciora Eiland Israel Barder Security, Jerusalem Center for Public Affairs.



پیمان دفاعی - امنیتی و دفاع مشترک مرزی است. تضعیف یا نقض توافقات مرزی به معنای به خطر افتادن امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس و حتی امنیت ملی آن کشور است. اگرچه بین سوریه و رژیم اشغالگر قدس قرارداد صلح و امنیت مرزی منعقد نشده ولی دوطرف از حساسیت‌های امنیتی یکدیگر باخبرند. فقدان اعتماد بین دو طرف در دهه ۹۰ مانع انعقاد قرارداد صلح بین دمشق و تل‌آویو شده است.

درونمایه منطق فکری امنیتی رژیم اشغالگر قدس در توافقات مرزی با همسایگان از جمله مصر، اردن و ... امنیت دفاعی و دفاع مشترک است. در غیر این صورت تأمین امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس برعهده آن رژیم گذاشته شده و طرح و برنامه‌ریزی نظامی برای تحقق امنیت مذکور به دو شکل برنامه‌ریزی جنگ‌های دفاعی بر سر تأمین امنیت مرزها و جنگ‌های تهاجمی برای گسترش مرزهاست.

البته دومی به کلی منتفی شده اما اولی در قبال سوریه و لبنان کاملاً جاری است. شکل دوجانبه آن در قبال مصر دوران حسنی مبارک و اردن و حتی کرانه باختری رود اردن و گروه فتح و حکومت خودگردان دنبال می‌شود.

نگرانی رژیم اشغالگر قدس از بهار عربی در منطقه و امنیت مرزهای آن کشور

تحولات جاری در منطقه که اصطلاحاً بهار عربی نامیده شده است (البته این اصطلاح در جای خود با مباحثات و مجادلاتی همراه است) بیشترین نگرانی را برای پادشاهی‌های کهن عربی از جمله اردن، مراکش، عربستان و دیگر امیرنشین‌های خلیج فارس و نیز رژیم اشغالگر قدس فراهم آورده است. صرف‌نظر از کمیت و کیفیت

تحولات در کشورهای مذکور و از جمله رژیم اشغالگر قدس، سؤال این است: چرا این رژیم از بهار عربی در منطقه و به خصوص در کشورهای همسایه عربی مجاور آن کشور به شدت نگران است؟

اولاً تحولات جاری بیشتر در بین جمهوری‌های دوست و دشمن آمریکا رخ داده‌اند. مصر و سوریه کشورهای همسایه رژیم اشغالگر قدس‌اند و بلاشک این تحولات با تجدیدنظر در خصوص اسناد امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس با آن کشورها در ارتباط است.

در اینجا دو مسئله جدا از هم در حال وقوع است:

۱. گرفتار شدن آمریکا بین حمایت از رژیم اشغالگر قدس یا حمایت از روند جاری در منطقه،

۲. نگرانی رژیم اشغالگر قدس از حاشیه قرار گرفتن روند جاری در منطقه.

در هریک از سناریوهای احتمالی، نگرانی رژیم اشغالگر قدس نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند بلکه شدت آن بین افزایش و افزایش شدید قرار می‌گیرد.

با تغییر نقش‌ها و در برخی کشورهای دستخوش تحولات و بی‌ثباتی منتهی به تغییر ساختارها از جمله مصر، یمن و لیبی و اکنون سوریه، این فرضیه به وجود می‌آید که طرح خاورمیانه بزرگ با تغییر بلوک‌های دولت‌های مستبد دوست و دشمن آمریکا در حال رخ دادن است و منافع امنیتی رژیم اشغالگر قدس به خصوص امنیت مرزهای آن در مجاورت جمهوری‌های دستخوش بی‌ثباتی در نظر گرفته نمی‌شود. طرح خاورمیانه بزرگ، طرحی راهبردی براساس قطب‌بندی صنعتی - اقتصادی در



منطقه و منافع مشترک آنگلو ساکسون هاست. این طرح به دنبال نهادینه سازی موقعیت برتر و بالاتر آمریکا و دیگر کشورهای آنگلو ساکسون در برابر قدرت های نوظهور و نیز روسیه و چین است. امواج تحولات جاری دولت های عربی دوست و دشمن آمریکا (در مرحله اول، جمهوری های عربی) را دربر گرفته و منافع رژیم اشغالگر قدس را مدنظر قرار نمی دهد. بی دلیل نیست که عربستان سعودی و رژیم اشغالگر قدس با درک این وضعیت نه تنها منافع مشترک امنیتی بلکه منافع امنیتی مشترک پیدا کرده اند.^۱

بدین ترتیب می توان نگاه بدبینانه ای برای رژیم اشغالگر قدس در قبال بهار عربی متصور بود. با تنش ها و بدبینی های موجود در روابط رژیم اشغالگر قدس و دولت اوپاما این نگرانی در بین مقامات رژیم اشغالگر قدس قوت گرفته که آیا آمریکا بین رژیم اشغالگر قدس و روند جاری در منطقه، کدام را مدنظر ملاحظات استراتژیک خود قرار می دهد؟

رژیم اشغالگر قدس شاهد بود که دولت اوپاما حمایت خود را از حسنی مبارک و علی عبدالله صالح قطع کرد. جراید و مطبوعات رژیم اشغالگر قدس تظاهرات و تحولات جاری در منطقه را با به قدرت رسیدن اسلامگراهای مخالف رژیم مذکور برآورد می کنند. نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس پس از سقوط حسنی مبارک اعلام کرد که امکان همکاری بین مصر جدید و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. به عبارت دیگر ناامنی و بی ثباتی در کشورهای همجوار رژیم اشغالگر قدس به معنای

1. Oded Eran, "The West Responle to the Arab Spring," Strategic Assessment, Vol 14, No 2, July 2011, p.15.

اشاعه ناامنی به مرزها و حتی در درون رژیم اشغالگر قدس است و با به خطر افتادن امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس، امنیت ملی آن کشور نیز به خطر می‌افتد. هرگونه عکس‌العمل سیاسی رژیم اشغالگر قدس نسبت به دولت‌های جدید در کشورهای از جمله مصر به معنای تشدید دشمنی تاریخی بین اسلامگراها و رژیم مذکور خواهد بود. نمونه بارز آن روابط رژیم اشغالگر قدس و حماس در نوار غزه را می‌توان نام برد. از طرف دیگر تحولات جاری، مناسبات استراتژیک آمریکا و رژیم اشغالگر قدس را دستخوش تغییراتی کرده است. دوستان قدیم رژیم اشغالگر قدس می‌توانند به دشمنان جدید آن کشور مبدل شوند و آمریکا بین آنها و رژیم اشغالگر قدس قرار خواهد گرفت.^۱

مصر و سوریه از کشورهای مؤثر بر روندهای صلح و جنگ در منطقه بوده‌اند. سرهنگ انورسادات قرارداد صلح کمپ دیوید را با رژیم نیز اشغالگر قدس امضا و سپهدی حسنی مبارک آن را حفظ کرد. حافظ اسد نیز وضعیت ترک مخاصمه و حفظ امنیت مرزهای سوریه و رژیم اشغالگر قدس را علیرغم فقدان قرارداد صلح حفظ کرد. اکنون این احتمال به‌وجود آمده که اخوان‌المسلمین در حال قدرت‌یابی در مصر و سوریه است.

کاملاً روشن است که سیاستمداران میانه‌رو مصری و سوری در پی تغییر قدرت در آن دو کشور خواستار تغییر سیاست خارجی و امنیت مرزی با رژیم اشغالگر قدس نیستند اما امکان بروز سیاست رادیکال نیز وجود دارد. مقامات رژیم اشغالگر قدس از جمله موشه‌آرنز وزیر سابق دفاع و رئیس سابق موساد (افریم

1. Daniel Byman, "Israel Pessimistic View of the Arab Spring," *The Washington Quarterly*, Summer, 2011, p. 123.



هالوی) می‌گویند: اقتصاد کشورهای مصر و سوریه ضعیف است و این متغیر شاید بتواند مانع اتخاذ سیاست رادیکال (البته در میان مدت) علیه رژیم اشغالگر قدس شود. مضافاً وابستگی تسلیحاتی مصر به آمریکا مانع دیگری از اتخاذ سیاست رادیکال خواهد بود. از سوی دیگر با تضعیف ارتش‌های سوریه و مصر در پی تحولات جاری تهدیدات متعارف کلاسیک نظامی علیه رژیم اشغالگر قدس ضعیف شده اما امکان تهدیدات نامتقارن وجود دارد.^۱

البته مقامات سوری و مصری به لحاظ حمیت عربی مخالف سیاست رژیم اشغالگر قدس‌اند اما حداقل در کوتاه مدت به دنبال تنش نیستند درحالی که اسلامگراها از اتخاذ سیاست رادیکال ترسی ندارند. مقامات عالی‌رتبه نظامی و نظامیان با سابقه مصری و سوری از قدرت نظامی رژیم اشغالگر قدس و پیامدهای جنگ با آن کشور آگاهی کامل دارند. امکان اتحاد تاکتیکی معطوف به ایدئولوژیک اخوان بین مصر و سوریه نیز وجود دارد. همان اتحادی که پس از جنگ اول تحت عنوان «هلال خصیب» برقرار شد و بعدها پس از جنگ دوم و خاص دوران ناصر و اسد از بین رفت (ناصر و اسد به شدت ضد اخوان بودند).

نگرانی استراتژیک و بلندمدت رژیم اشغالگر قدس از به هم خوردن توازن قوا بیشتر در پی به قدرت رسیدن اخوان در کشورهای مصر و سوریه است. از نگاه فکری و منطق امنیتی رژیم اشغالگر قدس، عمده نگرانی امنیتی بین مصر و سوریه، بیشتر از جانب مصر که معبد و زادگاه اخوان در آن کشور است، احساس می‌شود.

1. Ibid, p. 126.

مصر پس از کمپ دیوید، متحد و دوست رژیم اشغالگر قدس بود. تبادل اطلاعات نظامی بین قاهره و تل‌آویو وجود داشت. اکنون رژیم اشغالگر قدس از نفوذ اخوان در ارتش مصر و قطع همکاری‌های امنیت مرزی می‌ترسد.^۱

البته این هراس برای سوریه نیز وجود دارد. در صورت به قدرت رسیدن اسلامگراها در سوریه، احتمال فرار اقلیت علوی و مسیحی‌ها به بلندی‌های جولان و مرزهای رژیم اشغالگر قدس نیز وجود دارد. این ترس با نفوذ اسلامگراها و اخوان حتی القاعده در ارتش سوریه دو چندان شده است. یعنی امکان قطع همکاری‌های تاکتیکی و استراتژیک سوریه با متحدین سابق وجود دارد و توأماً مضاعف شدن دشمنی با رژیم اشغالگر قدس نیز مطرح است. سیاست خاندان اسد عدم خشونت با رژیم اشغالگر قدس بود. در این صورت اتحاد جدید بین اخوان در سوریه - در پی سقوط اسد - با گروه‌های اسلامی سنی سلفی در منطقه خواهد بود.^۲

تصویر احتمالی از آرایش دفاعی رژیم اشغالگر قدس در پی بهار عربی، به خصوص مصر و سوریه

بی‌شک توان دفاعی رژیم اشغالگر قدس در مناقشه با تهدیدات کلاسیک نظامی در اطراف مرزهای آن کشور با همسایگان عربی و حتی کشورهای پیرامونی ضعیف به نظر می‌رسد. برای مثال اقدام نظامی ارتش - تکاوران دریایی - رژیم اشغالگر قدس

1. The Arab Spring and the Israeli Concerns, ME Flashpoint, www. Cemis. Edu. gr. P. 2.

2. Ibid, p. 3.



علیه کشتی ترک Mv در کمک‌رسانی به غزه، عملیات خرابکارانه علیه خطوط گازرسانی مصر به رژیم اشغالگر قدس، حملات چریک‌های فلسطینی و لبنانی به مرزهای رژیم اشغالگر قدس و از این قبیل اقدامات، در صدر آمادگی دفاعی ضدچریکی و جنگ‌های نامتقارن تلقی می‌شوند. اتفاقاً آمادگی ارتش‌های جهان در قبال این دسته تهدیدات با لبه تیز قضاوت افکار عمومی جهانی نیز روبرو است. برای مثال حملات هوایی و موشکی رژیم اشغالگر قدس به غزه و لبنان موجی از انتقادات بین‌المللی را سبب شد.

با این پیش‌فرض، تصویر احتمالی از آرایش دفاعی رژیم اشغالگر قدس حول دو محور: نیروسازی و استقرار نیروها خواهد بود. برای مثال برای مقابله با تهدیدات مذکور باید نیروهای دفاعی، توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و استقرار نیروها و تسلیحات نیز متناسب باشند. به عبارت دیگر قوای هوایی، دریایی و زمینی متناسب با جنگ‌های نامتقارن خواهند بود و جنگ‌های زمین‌پایه و بعد جنگ‌های ویژه دریاپایه در اولویت قرار می‌گیرند. اطلاعات رزمی، اطلاعات نظامی و اطلاعات جاسوسی لازم و ملزوم جنگ‌های نامتقارن‌اند و تنظیم عملیات روانی در صدر پیوست عملیاتی خواهد بود.^۱

این تصویر احتمالی شاید تناسب بیشتری با تأمین امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس داشته باشد. تهدیدات مرزهای رژیم اشغالگر قدس بیشتر با تهدیدات نامتقارن مواجه است. در این صورت آموزش تسلیحات و استقرار نیروها متناسب با این نوع تهدیدات خواهند بود.

1. Ibid, p. 5.

نتیجه‌گیری

۱. به نظر می‌رسد تأمین امنیت مرزی رژیم اشغالگر قدس که با امنیت ملی آن کشور گره خورده عینک نگاه امنیتی رژیم اشغالگر قدس به تحولات جاری در کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای عربی همسایه آن کشور (مصر و سوریه) است.
۲. حتی این عینک با بازنگری در روابط استراتژیک رژیم اشغالگر قدس و آمریکا و به‌خصوص در روابط با دولت اوپاما تعیین‌کننده شده است.
۳. رژیم اشغالگر قدس احساس می‌کند که آمریکا در حالت دوسویه و توأم با شک و تردید در حمایت از منافع استراتژیک رژیم اشغالگر قدس در منطقه و حمایت از روند جاری در منطقه است.
۴. رژیم اشغالگر قدس، به قدرت رسیدن اسلامگراها (اخوان میانه‌رو و سلفی‌های تندرو) در کشورهای عربی را متغیر اصلی در شکست و تردید در سیاست خارجی دولت اوپاما می‌بیند.
۵. عربستان سعودی و دیگر پادشاهی‌های کهن عربی نیز مواضع مشابه رژیم اشغالگر قدس را در قبال دولت اوپاما دارند و بی‌دلیل نیست که اعراب سنی و رژیم اشغالگر قدس منافع مشترک امنیتی و منافع امنیتی مشترک پیدا کرده‌اند.
۶. عربستان سعودی از قطر و ترکیه در یکه‌تازی منطقه‌ای به‌شدت نگران است. قطر از همکاری با اعضای شورای سیاست غیرسنتی و غیرهمسو با عربستان دست برداشته است. برای مثال قطر و عربستان در تنظیم قدرت سیاسی در تونس رقابت شدید دارند. سیاست نوگرایی قطر با سیاست سنتی و محافظه‌کارانه عربستان



به شدت در تعارض است. عربستان سعودی به شدت از سیاست پان‌ترکیسم عثمانی با نقاب اسلامی ترکیه نگران است. قبل از جنگ اول، خاندان ابن‌سعود با حمایت بریتانیا توانستند در اثنای جنگ بر امپراتوری عثمانی پیروز شوند. سیاست مدرنیسم اسلامی معطوف به سکولاریسم در ترکیه (البته سکولاریسم ترکیه عصر اسلامگراها با لائیته عصر اتاتورک در ترکیه فرق دارد) مخالفت و ضدیت شدید با سیاست سنی اسلامی عربستان دارد.

۷. رژیم اشغالگر قدس نیز از سیاست جدید منطقه‌ای ترکیه به شدت نگران است. فاصله امنیتی رژیم اشغالگر قدس با دولت اسلامگرای ترکیه زاویه بیشتری پیدا کرده و نزدیکی سیاسی ترکیه به دولت اوپاما بیشتر از روابط آن کشور با دولت بوش است. بالعکس دوستی رژیم اشغالگر قدس با دولت بوش بیشتر بود و اکنون فاصله بیشتری بین رژیم اشغالگر قدس و دولت اوپاما دیده می‌شود.

۸. مهمترین دستور کار در روابط دفاعی و امنیتی و بعد سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس، تأمین امنیت مرزهای آن کشور و سپس تأمین توازن قواست. تحولات جاری در منطقه نه تنها امنیت مرزهای آن کشور را به مخاطره انداخته بلکه توازن قوا را به نفع زنجیره و کمربند اخوان‌المسلمین علیه رژیم اشغالگر قدس تغییر داده است. ترکیه و مصر دو حلقه رهبری اخوان در منطقه به شمار می‌روند.

۹. توان دفاعی معطوف به جنگ تهاجمی رژیم اشغالگر قدس برای جامعه جهانی قابل توجیه نیست. آمادگی دفاعی در مقابل سایبر ژئوپلیتیک و جنگ‌های نامتقارن در رأس سیاست و برنامه‌ریزی دفاعی آن کشور قرار دارد. انتظار می‌رود که ابعاد این

برنامه‌ریزی بر آرایش نظامی، تسلیحات و آموزش پرسنلی رژیم اشغالگر قدس اثرگذار باشد.

۱۰. فشار مضاعف رژیم اشغالگر قدس و لابی یهود بر دولت اوپاما، فرانسه، آلمان و بریتانیا مانع از به رسمیت شناختن دولت فلسطین در دستور کار شورای امنیت ملل متحد شد و فقط فرانسه توانست از عضویت دولت فلسطین در یونسکو حمایت به عمل آورد. فرانسه و آمریکا در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری‌اند. کمپانی‌ها و کارتل‌های نفتی و تسلیحاتی نقش مهمی در سیاست و قدرت در آمریکا دارند. به‌طور سنتی دمکرات‌ها با نهادهای مدنی و جمهوریخواهان با نهادهای تسلیحاتی و نفتی سروکار دارند.

۱۱. موفقیت رؤسای جمهوری آمریکا در حوزه سیاست خارجی بیشتر از حوزه سیاست داخلی است. برای مثال، کاندیداهای جمهوریخواه و دمکرات برای تحقق وعده‌های سیاست خارجی نیازمند رژیم اشغالگر قدس در حوزه سیاست خارجی با چین و روسیه‌اند. دیپلماسی تسلیحاتی رژیم اشغالگر قدس، نفوذ زیادی در سیاست خارجی چین در قبال خاورمیانه دارد. نفوذ سنتی رژیم اشغالگر قدس بر لابی‌های پولی و مالی روس در جهت‌دهی سیاست خارجی روسیه (چه در دوران پوتین و چه در دوران مدودوف) کاملاً مشهود بوده است.

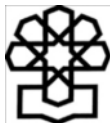
۱۲. در یک جمع‌بندی نهایی موجودیت رژیم اشغالگر قدس با امنیت مرزهای آن کشور و همسایگان و نیز برای خروج از محاصره همسایگان امنیت ملی آن با روابط خارجی همسو با کشورهای پیرامونی غیرعربی گره خورده است. نگرانی امنیتی رژیم



اشغالگر قدس از تحولات جاری در منطقه، تغییر نقش‌های دولت‌های دوست به دشمن است و در پس این تغییر، حتی رژیم اشغالگر قدس حاضر به تغییر نگاه استراتژیک به آمریکا در صورت تردید در سیاست خارجی واشنگتن در قبال امنیت ملی رژیم اشغالگر قدس خواهد بود.

منابع و مآخذ

در پاورقی گزارش درج شده است.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۳۴۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: امنیت مرزهای رژیم اشغالگر قدس

نام دفتر: معاونت پژوهشی

تهیه و تدوین: حمید هادیان

ناظر علمی: —

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱/۲۷